



بدون خشت قوسی در کار نخواهد بود!

محمدرضا کلهر

پژوهشگر و دبیر آموزش و پرورش ناحیه یک سنندج

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۳/۰۴

چکیده

پرواضح است که، بنیاد زبان انگلیسی صرفاً در دو مهارت «خواندن reading و نوشتن writing» بر مبنای «الفبای انگلیسی» است. تفهیم و درک الفبای تازه، تفاوت‌ها و مغایرت‌های این مطلب به دانش‌آموزانی که علم و آگاهی نسبت به الفبای زبان انگلیسی ندارند و با الفبای زبان مادری و یا زبان رسمی رایج یعنی زبان فارسی مأنوسند، آن‌هم در مناطق و روستاهای دوردست که از بسیاری امکانات جامعه‌ی شهری و مدرن بی‌بهره‌اند مقداری سخت، مشکل و غریب می‌نماید، و اغلب روند ابتدایی تدریس، برای دبیران و یا فهم آن برای دانش‌آموزان غامض‌تر از هر مقوله‌ای می‌نماید! بر مبنای این ضرورت، پژوهش حاضر مشمول تفهیم، تجسم ذهنی و درک مشابَهت‌ها و مغایرت الفبای

انگلیسی در قیاس و تقابل با الفبای زبان مادری و زبان رسمی رایج کشور است و با استفاده از قدرت و کاربرد اول هنر «داستان» و دوم «تئاتر و نمایش» برای ملموس و محسوس کردن درک الفبا و کاربرد و ضرورت آن در جهت نیل به هدف والای فرایند یادگیری و آموزش الفبای انگلیسی صورت گرفته است.

کلید واژگان: اقدام پژوهی، الفبای انگلیسی، کاربرد هنر نمایش و داستان در تدریس زبان انگلیسی.

مقدمه

به زعم این پژوهشگر؛ «اقدام پژوهی» صرفاً یک روش تجربی صرف نیست، بلکه نوعی آموزه‌ی علمی؛ با تکیه بر شیوه‌های عملی است که در فرآیند نظام‌مند یاددهی-یادگیری کارساز و راه‌گشاست. در اقدام پژوهی با تمرکز بر چالش‌ها، و موانع موجود و با ارائه فرضیاتی معطوف به رفع آن موانع، ابتدا اقدام به گردآوری اطلاعات می‌شود، سپس با پیش کشیدن راهکار و ره‌یافته‌ها به محک امتحان و آزمون، ضمن دستیابی به راه‌حل‌های مناسب‌تر و کاربردی‌تر، به حل نهایی مشکلات و موانع موجود منجر و منتج می‌شود و درنهایت یادگیری ممکن می‌شود. به عبارت ساده‌تر «اقدام پژوهی» معطوف به معلمان، مواجهه‌ی دبیر با مسئله‌ای است که در امر مهم یادگیری اختلال ایجاد کرده، و دبیر متعهد را به درک وضع موجود ترغیب کرده و به اندیشه‌وامی‌دارد و در گام بعدی به فکر تغییر آن با گردآوری داده‌ها و شواهد می‌پردازد و با آزمون و راه‌حل‌های چند عملی و با تشریح مساعی با دانش آموزان به راهکار و رهیافت نهایی می‌رسد تا در امر مهم آموزش به وضع بهتر و به‌سامان‌تری رهنمون شود و درنهایت یادگیری تسهیل و کامل شود. این نوع یادگیری از درک و مشاهده دقیق تا ارائه‌ی فرضیات و عمل کردن به آن‌ها در آوردگاه آزمایش و نیل به نتیجه، دشوار، و سخت می‌نماید اما اساساً زیبا و زیننده، کارساز و ماندگار خواهد بود.

با این رهیافت در این پژوهش، برای تدریس «الفبای زبان انگلیسی» مشکلاتی پیش رو بود از آن جمله: تبیین و تشریح مفهوم ماهوی الفباء خاصه حروف الفباء انگلیسی، من جمله اقسام آن یعنی حروف صدادار و بی‌صدا، و نیز کاربرد واقعی حروف الفباء انگلیسی و تشکیل کلمه و نهایتاً گزاره و سرانجام چگونگی پدیدآمدن یک کتاب از منظر ساختارگرایانه... اما ابتدا به ساکن می‌بایستی برای یافتن راهکارها، مسائل و مشکلات تبیین و تعریف می‌گردید

مسائلی همچون؛ انواع حروف انگلیسی از نظر صدادار بودن یا بی‌صدایی؟ فرایند چگونگی تجمیع حروف و تشکیل کلمه؟ اما کلمات در کنار هم از چه سو و با چه نوع نیت‌مندی گزاره‌ها و جملات را پدیدمی‌آورند؟ مهم‌تر هنر «داستان» چگونه در کتاب تجلی می‌یابد؟ تدریس انتزاعی زبان و خاصه الفبا زبان در واقع تئوری تدریس زبان چگونه و از چه نوع نیت‌مندی می‌بایستی عینیت و تجسم یابد؟ و از «نمایش یا تئاتر» و بازی چه استفاده‌ی بهینه‌ای می‌توان و می‌شود در تدریس زبان کرد؟ چگونه در متن «نمایش» می‌شود دانش آموزان را با کتاب آشنا کرد؟ و تفاوت الفباء زبان مادری و زبان رسمی با زبان انگلیسی در چیست؟ و ...

لازم به توضیح است که پژوهش عملی حاضر در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ در کلاس هفتم متوسطه سطح اول در دبیرستان تربیت ۱ «روستای طاء» انجام شده است و با شناسایی ابعاد مشکل و رویاروی با مسئله، حرج تدریس و سختی فهم تفاوت‌ها منتج به راهکارهای کارساز چندی شد که نه تنها برای این پژوهشگر بسیار موجب شغف و مسرت، بلکه برای دانش‌آموزان موجب درک و لذت یادگیری با شیوه‌های نو و جذاب شده است.

ادبیات موضوع و بیان مسئله

عوض شدن و تغییر به‌جای کتاب درسی از آن جمله کتاب زبان انگلیسی کلاس هفتم (اول متوسطه نظام جدید) و مواجهه دانش‌آموز با الفباء زبان انگلیسی در ابتدا برای نوآموزان الفبای زبان تازه، مقداری غریب می‌نماید، خاصه در بیان، فهم و شکل؛ و نوع نگارش مثلاً از چپ نویسی زبان انگلیسی (برخلاف زبان فارسی یا عربی و نیز کردی که از راست نوشته می‌شود!) و صدادار بودن حروف یا بی‌صدا بودن آن که در دل خود کلمه نهان است (لازم به یادآوری است که حروف صدادار در زبان انگلیسی جزئی از کلمه هستند. (برخلاف زبان فارسی یا عربی و نیز کردی که اعراب یا صدا خارج از حروف و یا کلمه است؛ واژه مُحَمَّد در قیاس با شکل نوشتاری آن در زبان انگلیسی Mohammad را در نظر بگیرید) و نیز شکل نوشتاری حروف الفبای زبان انگلیسی و مضافاً فونتیک یا صداهای تازه حروف الفبای زبان انگلیسی از آن جمله حرف «th» و... پس می‌بایستی اول ضرورت فراگیری زبان تازه و تفاوت‌ها و تشابهات آن با زبان مرسوم توضیح داده می‌شد که چنین هم عمل شد. سپس به تدریس آن اقدام شد اما درک الفبای تازه و مغایرت آن کاملاً قابل فهم نبود بلکه دانش‌آموزان

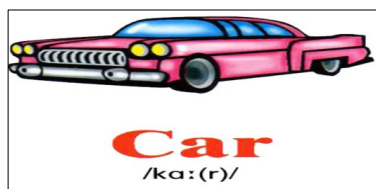
صوری و یا تئوری یا حفظ شده آن را می‌آموزند و اساساً ماهیت و شکل و شاکله‌ی آن را درک نمی‌کنند.

تشریح آغازین وضع موجود، اهداف و اطلاعات اولیه

اول مهر ۹۲ در شروع سال تحصیلی در دبیرستان فوق‌الذکر، در هفته اول حضورم در کلاس، پس از ارزشیابی آغازین یا تشخیصی حتی از دوره تحصیل ابتدایی، همانطوری که انتظار می‌رفت؛ نتیجه قابل قبولی به دست نیامد! متوجه شدم که پایه‌ی اکثر نوآموزان من ضعیف است و چون می‌دانستم قبلاً هم اقدام به آموختن زبان انگلیسی نکرده‌اند! که البته این عامل به دلیل دوری از امکانات شهری، طبیعی و بدیهی است درواقع نه تنها آنان پیشتر به کلاس‌های آموزش خصوصی (مثلاً موسسه) نرفته بودند بلکه حتی در درک الفبای زبان فارسی و حتی زبان کردی کم و بیش عاجز بودند! چه رسد به زبان تازه‌ی انگلیسی! عواملی همچون ناکارآمدی آموزش سنتی و نیز دشواری یا عدم درک الفبای انتزاعی زبان، دشواری مقایسه و تفاوت‌های زبان تازه و مواجهه اولیه با اولین بزنگاه زبان یعنی الفبای زبان، تفاوت شکل نوشتار حروف و فونتیک آنها و... این عوامل، مرا مصمم به راهکار تازه‌ای کرد یعنی کمک گرفتن از «هنر» از آن جمله هنر زیبای داستان و نمایش و اجرای تئاتر بر مبنای منابع درسی در کلاس کرد.

دسته‌بندی مهمترین عوامل مؤثر بر ایجاد مسئله:

- دو زبانه بودن دانش آموزان و عدم درک تفاوت‌ها.
- عامل بسیار مهم دیگر، ضعف پایه‌ی دبستان و ابتدایی است.
- عدم مطالعه کتاب‌های غیردرسی و مرتبط با مواد و محتوای آموزشی (در این زمینه زبان انگلیسی).
- عدم درک الفبا و ماهیت ساختاری آن.
- سردرگم شدن دانش آموزان از شکل نوشتاری حروف و نحوه‌ی بیان آن مثلاً حرف c در کلمه car که صدای «ک» می‌دهد.



- نبود امکانات و وسایل کمک آموزشی معطوف به این مسئله در مدرسه.
- ضعف دانش آموزان در زبان فارسی و حتی زبان کردی در کتابت و نوشتار و حتی گفتار.
- عدم آشنایی با زبان انگلیسی در کلاس‌های خصوصی همچون موسسات خصوصی آموزش زبان یا حتی یادگیری خودآموز در منزل.
- بی‌توجهی پدیدآورندگان کتاب درسی و مسئولان مربوطه به مقوله‌ی آموزش از راه و طریق هنر که استفاده از آن بسیار شایسته، کارساز و مانا و ماندگار است.
- بی‌توجهی پدیدآورندگان کتاب درسی و مسئولان مربوطه به مقوله‌ی آموزش الفبا (در آغاز تدوین کتاب) آموزش دیکته و آموزش نحوه‌ی ادا کردن یا حتی فونتیک واژگان.

ویژگی راه پیشنهادی جهت تغییر برای نیل به هدف یادگیری مناسب

پس از انجام راه حل‌های اولیه از آن جمله تهیه عکس، فلاش کارت، پوستر و حتی فیلم آموزشی حروف الفبا و... در آخرین راه حل برآن شدم که بر اساس استطاعت خویشتن، متن نمایشی (پیس) بر اساس محتوای آموزشی بنویسم و ایفای نقش آن را به خود دانش آموزان بسپارم پس نمایشنامه‌ای آموزشی نوشتم و چون قبلاً بیش از بیست و اندی سال تجربه تئاتر و تدریس هنردستان داشته و دارم از دانش آموزانم خواستم که آن را جمع خوانی کنیم و تم theme و پیام و حتی موضوع و محتوا و نهایتاً ساختار آن را برای بچه‌ها پس از بارها روخوانی توضیح و تشریح کردم و پس از تقسیم نقش و نکاتی درباره کارگردانی پس از چندبار ممارست سرانجام نمایش‌مان را در کلاس اجرا کردیم و از ابتدا تا انتهای این فعالیت و اقدام آموزشی - هنری از آن لذت بردیم آنهم لذت یادگیری از راه هنر و درک درس و تزکیه‌ی هنری، آن چیزی که مراد و مقصود ارسطو در بوطیقا و نظریه‌ی شعری بوده است.

به زعم این پژوهشگر، مهمترین ویژگی این راهکار یا اقدام پژوهشی - هنری بر مبنای محتوای آموزشی، درآمیختن هنر با محتوای درسی و تقویت روح هنرجویی دانش‌آموزان، بوده است، آن لحظه‌ی ناب شهود با هم بازی کردن (که برای بچه‌ها اهمیت تام و تمام دارد) و تشریح مساعی است که توماً در تجلی ناب، که اوج فرایند یادگیری است که به باور من، مهمترین وظیفه‌ی تعلیمی معلم است.

چگونگی اجرا و نظارت

فعالیت و کارگروهی در واقع با تقسیم کار انجام‌شدنی است. بر اساس روحیه‌ی فردی و توان علمی و عملی دانش‌آموزان به هر کدام از آنها وظیفه و نقشی برای اجرای نمایش داده شد. یکی کارگردان شد و دیگران بازیگر و بقیه کارهای صحنه را انجام دادند و سپس بعد از مطالعه و روخوانی آن را جمع‌خوانی کردیم و همانطور که قبلاً ذکر شد؛ تم *theme*، پیام و حتی موضوع و ساختار آن را برای بچه‌ها توضیح و تشریح کردم و پس از نکاتی درباره کارگردانی پس از چند بار تمرین سرانجام نمایش‌مان را در کلاس و سپس در مدرسه اجرا کردیم. در اجرای کلاسی نقاط ضعف آن را بررسی کردیم و نکات آموزشی آن را با خود دانش‌آموزان بحث و تبادل نظر کردیم و سپس بدون کمک من یا هر دبیر دیگری نمایش را در مدرسه اجرا کردند. این اجرا دست کم برای من باعث حظ وافر و طیب خاطر شد.

یک داستان مجسم یک نمایش: راه حل نهایی و مکمل

نام نمایش: بدون خشت قوسی در کار نخواهد بود!

نمایش در یک پرده

نقش آفرینان:

۱. دانش آموز اول در نقش A که حرف a را بر سینه زده است. یا نقاب زده است.
۲. دانش آموز دوم در نقش C که حرف C را بر سینه زده است یا نقاب زده است.
۳. دانش آموز سوم در نقش R که حرف r را بر سینه زده است یا نقاب زده است.
۴. دانش آموز چهارم در نقش book که کلمه ی book را بر سینه زده است.
۵. دانش آموز پنجم در نقش word که کلمه ی word را بر سینه زده است.

صحنه: کلاس درس و تخته سیاهی در وسط و عمق آن.

زمان: روزی از روزهای مدرسه. (روزی از پاییز که بهار دانش است. دبیر زبان مربوطه در میان دانش‌آموزان نشست و ناظر بازی بچه‌های کلاس است. او چند روز با آنها برای ایفای نقش‌شان تمرین کرده و حالا ماحصل تلاشش را با دیگر دانش‌آموزان به نظاره نشست است.)

متن نمایش

A.C.r. وارد صحنه یا کلاس می‌شوند در حین ورود دارند با هم حرف می‌زنند و بحث

می‌کنند.

همه با هم: ما کاملاً بی معنی هستیم. پوچ و بی معنی....

دانش آموز در نقش A: آدم‌ها زبان را در واقع ما را خلق کرده‌اند تا کار خودشان راه

بیفتند...

دانش آموز در نقش C: آره همینطوره... ما دست‌ساز بشریم ما حروف الفبای بی معنی فقط پیکره‌ی اصلی زبان را می‌سازیم و خودمان هیچیم و هیچ‌کاری از دست‌مان ساخته... حرفش ناتمام می‌ماند چراکه دانش آموز نقش Word وارد می‌شود و میان حرفش می‌آید)

دانش آموز در نقش Word (با لحن جاهلانه‌ای): سلام جوجه‌ها؟ چطورید؟

A.c.r (با هم) خوبیم ... ممنون...

Word (رو به دیگران): بایدم خوب باشید چون شما تنها متعلق به من هستید! من؛

یعنی چند تایی از شماها. من این‌طور معنا می‌دهم شماها را باید تکون داد باید در کنار هم نهاد تا من درست شوم تا من معنا یابم... من مهم هستم شما اصلاً به درد نمی‌خورید یا به قول دبیران ادبیات، محلی از اعراب ندارید، می‌فهمید؟ (بلند می‌خندد)ها...ها...ها...

دانش آموز در نقش Book با عینکی بر چشم و عکس کتابی بر پشتش و نقش واژه‌ی

Book بر سینه‌اش وارد می‌شود.)

Book: سلام دوستان...

همه با هم پاسخش را می‌دهند: سلام جناب Book ...

Book: خب بحث امروزتان چیه؟

A.c.r (با هم شروع می‌کنند به حرف زدن)

Book: خب اینطوری همیشه باید یکی یکی حرف زد... (مکث کوتاه) آخه می‌دونید... نظام

زبان نظام بسیار منسجم و منظمی است.

Word: می‌دونی جناب Book حرف من اینه که (رو به حروف اشاره می‌کند) اینها بی

معنی و بی خاصیت هستند همین ... من فقط به اونا معنا می‌دهم.

R(با ناراحتی): چه از خود راضی؟

A.c (با هم تایید می‌کنند): واقعاً چه از خود راضی...

Book: حالا فهمیدم چه شده (عاقلانه سرش را تکان می‌دهد)... بچه‌ها من می‌خواهم به

جای هر حرف و حدیثی یکی از داستان‌های دلم را برای‌تان تعریف کنم... (با لحن

رسمی تری) خوب... یک نویسنده‌ی ایتالیایی به نام «ایتالو کالوینو» کتاب داستانی دارد به نام «شهرهای نامریی» قهرمان این رمان یک جهانگردی ونیزی است به نام «مارکو پولو»... کالوینو در کتابش «شهرهای نامریی» از سفرها و تجربه‌های مارکو داستانهایی تعریف می‌کند... (رو به کلاس یا تماشاچی‌ها) البته «مارکو» این داستان‌ها و خاطرات را خطاب به «قوبلای قآن» امپراتور چین تعریف می‌کند (مکت کوتاه) در جایی به امپراتور می‌گوید (Book با لحن قدمایی و باستانی رو به هم بازی هایش ادامه می‌دهد) ... وقتی به آن شهر به آنجا در آمدم، اول یک پل دیدم به غایت زیبا با خشته‌هایی زیباتر و منقوش و تصاویری حک شده بر آن و با قوسی به شکل همین کمان‌هایی که کمانداران شما امپراتور گرانمایه به‌گاه کمان کشیدن می‌کشند، می‌دانید امپراتور عزیز پل قوسی شکل بود و از خشت بود (لحنش را تغییر می‌دهد) بچه‌های عزیز، مارکو مدام و با اشیاق از خشته‌ها می‌گوید و مدام به جزئیات اشاره می‌کند که خشته‌ها چنین بود و چنان بود... ناگهان امپراتور میان حرفش می‌آید و می‌گوید: (Book لحنش را باز تغییر می‌دهد و با لحن امپراتور ادامه می‌دهد) مارکو یعنی آن پل کمانی بود؟ (book رو به دوستانش، به بازیگران دیگر) آخر آن روزها می‌دانید پلها کمانی نبودند! مارکو پاسخ می‌دهد (Book ادای مارکو پولو را در می‌آورد) آری کمانی و قوسی شکل بود! جناب امپراتور خشته‌ها، امپراتور خشته‌ها با انعطافی سحرانگیز، کمان و قوسی بدیع خلق کرده بودند (با تعجب مضاعف) و من هنوز تا این لحظه در هیچ جایی ندیده‌ام! خشت از پس خشت و نقش از پس نقش و خشته‌ها آخرایی رنگ بودند... امپراتور باز میان حرفش در می‌آید (لحنش را باز تغییر می‌دهد و با لحن امپراتور) چرا از خشته‌ها می‌گویی مارکو، آن قوس، همان کمان آیا بیشتر اهمیت ندارد؟ مارکو فوراً پاسخ می‌دهد که: (Book دوباره لحنش را عوض می‌کند) آخر امپراتور بدون خشت، قوسی در کار نخواهد بود! و باز تکرار می‌کند که بدون خشت قوسی در کار نخواهد بود! (Book رو به جمع دوستانش اضافه می‌کند) اکنون می‌بایستی از این داستان فقط یک نتیجه گرفت که باری؛ با وجود اجزا کلیت معنا می‌یابد، یعنی شماها هر کدام موقعه‌ی خودش کارایی فوق العاده‌ای دارید مثلاً (دستش را روی دوش C و I می‌گذارد و آنها را با مهربانی کنار هم می‌گذارد) این دوستان دو حرف بی‌صدا هستند که البته بدون یک حرف صدادار اصلاً خوانده نمی‌شوند و بی‌معنی هستند (دست a را می‌گیرد و بین C و I می‌گذارد) اگر a که یک حرف صدادار است بین آنها بیاید کلمه car درست می‌شود که تو Word عزیز پدید می‌آیی یا شکل می‌گیری و می‌دانیم

واژه‌ها در کنار هم جمله و گزاره‌ها را می‌سازند و جمله‌ها در کنار هم مرا که کتاب هستم پدید می‌آورند) نظام زبان به همین شکل و به همین سادگی ساخته می‌شود (بالحن پرسشی) غیر از این است؟ کتاب‌های بزرگ در واقع با حروف کوچک صدا دار و بی صدای بسیاری ساخته می‌شوند، مگر نه؟

همه با هم: بله (رو به کلاس و تماشاچی‌ها) بله، مگر نه؟

کلاس و تماشاچی‌ها: بله، مگر نه؟

همه کف می‌زنند و نمایش تمام می‌شود.

ارزیابی راه‌حل و اعتبار سنجی

در پایان نمایش یا درس انتظارم برآورده شد و دانش آموزان با حروف الفبا، ماهیت و نظام آن و اجزا حروف آن و اقسام صدا دار و بی‌صدا... آشنا شدند آنها همچنین دیگر می‌دانستند که حروف الفبای انگلیسی اساس یادگیری زبان انگلیسی است و با مجموعه‌ی معناداری در کنار هم کلمه ساخته می‌شود. در پایان بر مبنای نمایش به نکات مهم آموزشی و نیز پرورشی دیگری (که در نمایش هم نبود) مفصل صحبت کردیم:

آنها آموختند که مقایسه کنند بعضی حروف زبان فارسی را با حروف و صداهای آن را در زبان انگلیسی و همچنین با ترکیب دو حروف الفبا چه حرف و صدایی را در انگلیسی باید بسازند مثلاً در واژه chair که حرف ch در فارسی «چ» است. یا gh ق یا zh ژ و از این قبیل.... (این مطلب مهم در کتاب درسی نادیده گرفته شده است!)

آنها آموختند که صداهای مختلفی از یک حرف واحد وجود دارد مثلاً حرف c که از آن در کلمه Bicycle و در cup دو صدای متفاوت «s یا ک k» منتج می‌شود. (این مطلب مهم در کتاب درسی نادیده گرفته شده است!)

آنها آموختند که چه وقت حروف بزرگ و چه وقت حروف کوچک را به کار برند. (این مطلب مهم در کتاب درسی نادیده گرفته شده است!) لازم به توضیح است که ویرایشگر واژه پرداز نرم افزار word از مجموعه office خود این توانایی را قائم به ذات دارد و دانش آموزان این مرحله از تدریس را به عینه در لپ تاپ بارها دیده‌اند.

آنها آموختند که در تبادل زبانی بعضی کلمات انگلیسی به زبان فارسی وارد شده‌اند و با چندی از این واژه‌ها و حروف آشنا شدند مثلاً کارواش carwash یا کامپیوتر computer یا

بسکتبال basketball فوتبال football و....

آنها آموختند که حروف الفبای یک کلمه با نشانه های فونتیک همان کلمه متفاوت است. (این مطلب مهم در کتاب درسی نادیده گرفته شده است!)



Pen باهمان نشانه فونتیکی مشابه حرف الفباست، اما school چنین نیست! و حتی ch در این واژه برخلاف معمول «چ» خوانده نمی شود. و جالب تر اینکه این ریزه کاری ها در کتاب درسی تازه هفتم نیامده است و دبیر خود بر اساس نیاز در امر تدریس به آن می پردازد! و گاه این مهم فراموش می شود.

روش های تدریس

بدیهی است که در تدریس زبان انگلیسی چون هر تدریس مدرن و کارآمدی، نمی توان صرفاً روش واحدی را از ابتدا تا پایان سال یا حتی از ابتدای یک جلسه تا پایان همان جلسه اتخاذ کرد. با توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان، خصوصیات ویژه ی هر درس، موقعیت کلاس و وضعیت عاطفی و روانی دانش آموزان، روش های مختلفی را باید مناسب آن تدریس به کار بست. در این جلسه سعی کردم به شکل به گزینی Eclectic برخورد کرده و مثلاً TPR برای تکرار مکانیکی الفبا Audio - lingual ترکیبی از استفاده از موسیقی برای بر طرف کردن موانع عاطفی و اضطراب Suggestopedia و بازی centered-student و روش مشارکتی یادگیری و گروهی affective filter و... را مورد استفاده قرار دهم.

نتیجه

اگر چه در یک تقسیم بندی کلی، هنر را به دو دسته ی هنرهای «کاربردی» و هنرهای

«زیبا» طبقه‌بندی می‌کنند^۱ لازم و ضروری است که به مقوله هنر از آن جمله هنر کاربردی در تدریس دروس به ظاهر غیرهنری اهمیت بدهیم، اما به هرروی؛ توجه به مجموعه هنرها^۲ را در امر مهم آموزش درسی جدی بگیریم. و می‌بایستی مباحث و تمهیداتی در محتوای کتب درسی در این زمینه فراهم شود. همچنین لازم است که کاستی‌های کتب درسی زبان انگلیسی را در امر آموزش «فونتیک» مورد مذاقه قراردهیم و در رفع آن بکوشیم. راهنمای استفاده از دیکشنری‌های استاندارد را در کتاب و طرح درس بگنجانیم و نکات فونتیک و آوایی را با خود نشانه‌های حروف الفبا در کلاس توضیح دهیم. و نکته مهم‌تر کارگروهی و نمایشی را تشویق و ترغیب کنیم و یادمان باشد که از نظر پرورشی، هر نوع وظیفه‌ی محوله منطقی و هنری به دانش آموزان آنان را در درس و مهم‌تر در زندگی باصلا بت‌تر می‌کند.

منابع

۱. تولستوی، لئون. هنرچیست. ترجمه کاوه دهگان. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم. ۱۳۶۴.
۲. بریس‌گات دومینیک مک‌آیور لویس. دانشنامه‌ی زیبایی‌شناسی. گروه مترجمان به سرپرستی مشیت‌علایی. تهران: فرهنگستان هنر، زمستان. ۱۳۹۱.
۳. شریفی، محمد. فرهنگ ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ نشر نو و انتشارات معین، ۱۳۸۷.
۴. حقگو، نسرين اقدام. پژوهی، بنیاد اندیشه معلمان پژوهنده تهران: انتشارات ۱۳۸۷.
۵. شریعت زاده، مهدی. معلم پژوهنده، رویکردی به توسعه و بهسازی منابع انسانی آموزش و پرورش.
۶. کالوینو، ایتالو. شهرهای نامرئی. ترجمه ترانه یلدا. تهران: انتشارات پاپیروس ۱۳۶۹.

۱. «هنر کاربردی»: در وهله نخست سودمندی آن اهمیت دارد و هدف از آفرینش آن، کاربرد آن است. اما دسته‌ی دوم، هنرهای زیبا است: اثر هنری تنها به دلیل زیبا بودن‌شان نه به خاطر هیچ چیز دیگری و صرفاً به خاطر خودشان خلق شده‌اند. مانند: نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، رقص. و بیراه نیست این نظر، که در وضعیت عصر پسامدرنیته‌ی امروز؛ زیبایی هنری همان کارکرد هنری شده است!

۲. مجموعه هنرها این‌ها هستند: ۱. ادبیات ۲. مجسمه سازی ۳. نقاشی ۴. فیلم ۵. معماری ۶. رقص ۷. موسیقی ۸. تئاتر ۹. عکاسی.

